

Transparent government model for the Islamic Republic of Iran based on Grounded theory

Abstract

Transparent government is a new model of modern government based on the transparency of political-economic practices and behaviors.

Freedom of information and citizens' access to public information is the most important feature of this government. The purpose of this study is to provide a model of transparent government for the Islamic Republic of Iran. For this purpose, the data theory of the foundation was used and 16 experts in the field of transparency were interviewed using two methods of targeted sampling and snowball.

In order to analyze the data, three types of coding including open, axial and selective coding were performed. In the process of this research, 163 open codes and 12 central codes were extracted, based on which the paradigm model of government transparency in the socio-cultural context of Iran was extracted. According to the findings of this study, the components of a transparent government are: good governance, quality social participation, government agility and free flow of information. Also, the factors affecting government transparency based on the participants' opinions are: the government's will and motivation for transparency, social contexts and conditions, environmental culture, step-by-step implementation of transparency, institutionalization, strengthening public culture, transparent management, corruption management and control and empowerment Civil Society

Thus, in the cultural and political conditions of Iranian society, if these factors exist together and at the same time, the formation of a transparent government with the above characteristics is not far from expectation.

Keywords: Transparent government, transparency, corruption, governance, Grounded theory

الگوی دولت شفاف برای جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه داده بنیاد

عبدالشریف ولدبیگی^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۳

حسن مجیدی^۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۵

علیرضا ازغندی^۳

چکیده

دولت شفاف مدل جدیدی از دولت‌های مدرن است که مبتنی بر شفافیت رویه‌ها و رفتارهای سیاسی اقتصادی است. آزادی اطلاعات و دسترسی شهروندان به اطلاعات حوزه عمومی مهم‌ترین وجه ممیزه این دولت است. هدف این پژوهش ارائه الگوی دولت شفاف برای جمهوری اسلامی ایران است. برای این منظور از نظریه داده بنیاد استفاده شد و با ۱۶ متخصص حوزه شفافیت با دو روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی مصاحبه شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها، سه نوع کدگذاری شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در فرایند این پژوهش ۱۶۳ کد باز و ۱۲ کد محوری استخراج که بر اساس آن الگوی پارادایمی شفافیت دولت در بافت فرهنگی-اجتماعی ایران استخراج شد. مطابق یافته‌های این پژوهش مؤلفه‌های تشکیل دهنده دولت شفاف عبارت‌اند از: حکمرانی خوب، مشارکت کیفی اجتماعی، چابکی دولت و گردش آزاد اطلاعات. همچنین عوامل مؤثر بر شفافیت دولت بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان عبارت‌اند از: اراده و انگیزه دولت برای شفافیت، زمینه‌ها و شرایط اجتماعی، فرهنگی محیطی، مرحله‌ای بودن اجرای شفافیت، نهادسازی، تقویت فرهنگ عمومی، مدیریت شفاف، مدیریت و مهار فساد و توانمندسازی سمن‌ها.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sharifvaladbeigi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). majidi118@gmail.com

۳. استاد مدعو گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

بدین ترتیب در شرایط فرهنگی سیاسی جامعه ایران، چنانچه این عوامل در کنار یکدیگر و همگام باهم وجود داشته باشد، شکل‌گیری دولت شفاف با مختصات فوق دور از انتظار نیست.

واژگان کلیدی: دولت شفاف، شفافیت، فساد، حکمرانی، داده بنیاد



مقدمه

شفافیت اطلاعات، مهم‌ترین رکن «دولت شفاف»^۱ است که بر اساس آن مردم قادرند از نحوه عملکرد دولت مطلع شوند. دسترسی به اطلاعات در مورد سیاست‌ها و اقدامات دولت، شفافیت مسئولیت‌سازمانی و اطمینان از مدیریت کارآمد و عاری از فساد از اجزای مهم دولت شفاف است. ابزارهای دولت شفاف شامل جریان اطلاعات کافی، جامعه مدنی قوی، نظام مدیریت مالی مؤثر و شفاف و مقررات تدارکاتی است که روند مناقصه‌ها و مزایده‌ها را عادلانه می‌کند. عنصر شفافیت که از منظر سیاسی به دلیل پاسخگو کردن مسئولان کشور باعث تقویت دموکراسی می‌شود و از دیدگاه اقتصادی، عملکرد بهتری به ارمغان می‌آورد، دربردارنده انتشار داده باز، انتشار داده کلان و ایجاد پورتال‌های دولتی به‌منظور مطلع کردن مردم از حقوق و مزایای مسئولان دولتی، بودجه‌بندی، طرح‌های مزایده و مناقصه و در مجموع عملکرد مالی دولت است. دولت شفاف با انتشار داده‌های باز علاوه بر اینکه در معرض نظارت و ارزیابی شهروندان قرار می‌گیرد، در مقیاسی بزرگ‌تر در معرض نظارت فعالان اقتصادی و سیاسی خارجی نیز قرار می‌گیرد؛ این رویکرد علاوه بر افزایش کارآمدی، اعتبار سیاسی برای دولت تولید می‌کند.

با توجه به اهمیت این موضوع مقاله حاضر تلاش دارد الگوی مطلوب دولت شفاف را برای جمهوری اسلامی ایران با استفاده از شیوه داده بنیاد طراحی و ارائه کند. به این منظور، سؤالات نیمه ساختاریافته^۲ برای مصاحبه با نخبگان حوزه شفافیت طراحی شد. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: مؤلفه‌ها و بایسته‌های الگوی دولت شفاف برای جمهوری اسلامی چیست؟ سؤالات فرعی پژوهش نیز که باهدف تعیین عوامل تأثیرگذار بر شفافیت دولت طراحی شد، عبارت‌اند از: دولت شفاف چگونه تعریف می‌شود؟ عناصر تشکیل‌دهنده و ویژگی‌های دولت شفاف چیست؟ شرایط علی یا پیشایندهایی که باعث شفافیت دولت می‌شوند چه هستند؟ شرایط زمینه‌ای یا محیطی و مؤلفه‌های واسطه‌ای که می‌تواند در رسیدن دولت به شفافیت مؤثر باشد، کدامند؟ این پژوهش کیفی است و ماهیتی خوداکتشافی دارد؛ بنابراین برای انجام آن، از رویکرد استقرایی و نظریه‌پردازی داده بنیاد استفاده شد. نظریه‌پردازی داده بنیاد به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد به جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود به نظریه و گزاره طرح کند. یادآوری می‌شود منظور از دولت در این مقاله، همه عناصر قدرت در کشور است و تنها محدود به قوه مجریه نیست.

شکل‌گیری دولت شفاف ضروری است زیرا تا زمانی که اطلاعاتی جامع و درست از عملکرد دولت و نتایج سیاست‌های آن در دسترس مردم نباشد، مسئولان دولتی پاسخگو نخواهند بود و شهروندان نیز هنگام انتخابات قادر به انتخاب آگاهانه نماینده خود نخواهد بود. مطالبه‌گری مردم نقش مهمی در تحقق شفافیت در اداره هر کشوری دارد، اما این تصویب قوانین است که می‌تواند راهگشای مسئله باشد. موضوع شفافیت در ایران نیز در سال‌های اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته و به این منظور قوانین متعددی در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است؛^۳ اما ضعف اراده سیاسی برای تحقق شفافیت باعث شده این قوانین اجرا نشود یا ناقص اجرا شود. در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از افشای فیش‌های حقوق‌های نامتعارف، فشار افکار عمومی برای شفاف‌سازی امور افزایش یافت؛ لایحه شفافیت نیز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ در هیئت‌وزیران تصویب و اول تیر سال ۱۳۹۸ برای طی تشریفات قانونی به مجلس ارسال شد. لایحه شفافیت در دو سطح تکالیف عام و اختصاصی، «شفافیت وظایف، اختیارات، مأموریت‌ها و صلاحیت‌ها»، «شفافیت فرآیندهای سازمانی» و «شفافیت اطلاعات سازمانی» را مورد توجه قرار داده است. رسیدگی به این لایحه البته در مجلس به دلایل نامعلوم متوقف مانده است.

این مقاله پس از بررسی انتقادی پیشینه پژوهش با تبیین مبانی مفهومی به ارائه الگوی تحلیلی پرداخته و سپس پرسش‌های تحقیق را جهت طراحی الگوی مطلوب دولت شفاف به نخبگان منتخب ارائه کرده است و در پایان یافته‌های تحقیق شامل ابعاد و عناصر و مؤلفه‌های الگوی مطلوب دولت شفاف بر اساس نظریه داده بنیاد؛ نشان داده است.

۲- پیشینه پژوهش

واقعیت این است که تا نهادینه شدن موضوع شفافیت در جامعه و ساختار اداری راه‌درازی در پیش است. بررسی‌ها نشان می‌دهد پژوهش در زمینه «دولت شفاف» در کشور اندک است؛ از این رو این مقاله می‌تواند آغازگر فصل جدیدی در تولید علم در حوزه مطالعات «دولت شفاف» باشد. البته در خصوص موضوعات مشابه همچون «دولت باز» تحقیقاتی انجام شده است. رهنورد و همکاران (۱۳۹۹) معتقدند تمایل به دولت باز سازه‌ای چندبُعدی و عبارت است از: رغبت خط‌مشی‌گذار نسبت به شفافیت، مشارکت شهروندان، همکاری،

پاسخگویی دولت و پشتیبانی از نوآوری و کمک به توسعه کسب و کار. به اعتقاد آن‌ها تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در ایران بالاست اما میزان تمایل به دولت باز در میان گروه‌های سنی مختلف، گروه‌های دارای از نظر نحوه آشنایی با دولت باز متفاوت است. در خصوص «حکمرانی خوب» هم که از پیامدهای دولت شفاف است، پژوهش‌های درخوری انجام شده است، اما مشخصاً در خصوص «دولت شفاف» و ارائه مدل برای ایران، پژوهشی یافت نشد. مؤلفه‌های دولت شفاف از منظر امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای مقاله‌ای است که از سوی نگارندگان این مقاله چاپ شد. یافته‌های مقاله نشان داد به‌رغم اینکه «دولت شفاف» مفهومی نوپدید است، در ادبیات نظری امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای مورد توجه بوده است. بر اساس یافته‌های مقاله، ضرورت آزادی اطلاعات، شفافیت مالی، پاسخ‌گویی، نظارت، امر به معروف و نهی از منکر، قانون‌گرایی، کارآمدی و مشارکت مقوله‌های مقوم دولت شفاف‌اند که در اندیشه‌های امام و رهبری بر آن تأکید شده است.

۳- روش پژوهش

نظریه‌پردازی داده بنیاد (Grounded Theory) زمانی استفاده می‌شود که دانش محدود است و نمی‌توان با استفاده از تئوری‌های موجود فرضیه‌ای برای آزمون تدوین کرد. واژه Grounded نشانگر آن است که هر نظریه‌ای که بر اساس این روش تدوین می‌شود، بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیان شده است. در واقع Grounded راهبردی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که قبلاً در مورد آن‌ها پژوهش جامع و عمده‌ای نشده و دانش ما در آن زمینه محدود است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). داده بنیاد روش‌شناسی استقرایی کشف نظریه است که این امکان را فراهم می‌کند تا گزارشی نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پژوهش ارائه شود؛ در حالی که به‌طور هم‌زمان پایه این گزارش را در مشاهدات تجربی داده محکم می‌سازد (Martin & Turner: 1986: 141). در تعریفی دیگر نظریه داده بنیاد، روالی کیفی است برای تولید نظریه‌ای که یک فرآیند یا برهم‌کنش را درباره موضوع خرد واقعی، در سطح مفهومی کلی تشریح می‌کند (Creswell, 2005: 1396).

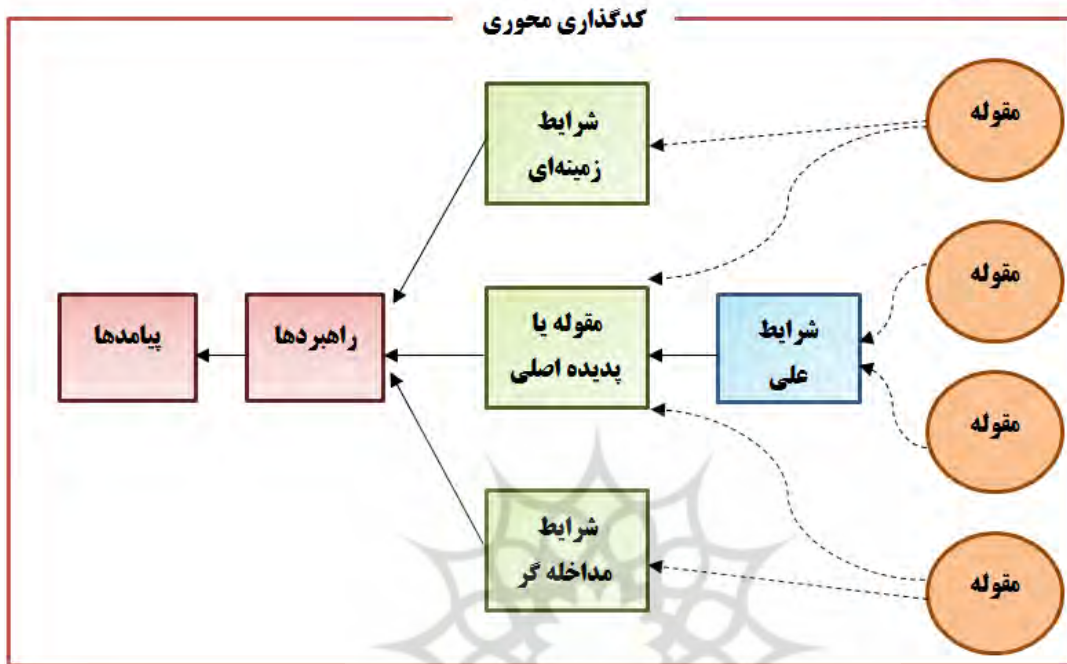
سه رهیافت مسلط در نظریه‌پردازی داده بنیاد مطرح است: رهیافت «نظام‌مند» که با اثر استراوس و کوربین شناخته می‌شود. رهیافت «ظاهر شونده» که اثر گلیزر است؛ و رهیافت

«ساخت‌گرایانه» که چارمز از آن حمایت می‌کند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). در این مقاله رهیافت «نظام‌مند» استراوس و کوربین مدنظر است. منظور این دو از نظریه داده‌بنیاد «نظریه است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی باهم در ارتباط‌اند. پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود» (استراوس، کوربین، ۱۳۹۵: ۳۴).

داده‌هایی که نظریه‌پرداز برای تشریح فرایندها جمع‌آوری می‌کند شامل انواع بسیاری از داده‌ها از جمله مشاهدات، گفت‌و شنود، مصاحبه، اسناد دولتی، خاطرات پاسخ‌دهندگان و مجلات و تأملات شخصی پژوهشگر است. (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). از منظر استراوس و کوربین بعد از نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها، کدگذاری باز، محوری و انتخابی، یادآوری و اشباع نظری، پژوهشگر را به سمت نظریه‌پردازی هدایت می‌کند. نخستین گام، مفهوم‌پردازی از داده‌هاست؛ به این معنا که هریک از داده‌ها با برچسب یا نشانه‌ای مشخص شود و رویدادها و اشیاء مشابه در یک رده قرار گیرد (کدگذاری باز). برچسب یا نام مشخص شده می‌تواند بر اساس تصویر یا معنایی باشد که به هنگام بررسی مقایسه‌ای آشکار می‌شود یا از کلماتی باشد که پاسخگویان به زبان می‌آورند. بعد از برچسب‌گذاری، پژوهشگر که در نتیجه تحلیل خرد، ده‌ها مفهوم را بیرون کشیده، می‌تواند برخی از آن را زیر مفهومی انتزاعی‌تر بر مبنای استعداد آن مفهوم، یا توضیح آنچه در جریان است، قرار دهد (کدگذاری محوری). گروه‌بندی مفاهیم تحت عنوان مقوله‌ها تحلیل‌گر را قادر می‌سازد تعداد واحدهایی را که با آن کار می‌کند، کاهش دهد. وقتی مقوله‌ها شناسایی شد، تحلیل‌گر شروع به پروراندن آن با استفاده از ویژگی‌ها و ابعادش می‌کند (کدگذاری انتخابی) و در نهایت الگویی را استخراج می‌نماید (استراوس، کوربین، ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۲۵).

الگوی پارادایمی در روش داده‌بنیاد دربرگیرنده شش مؤلفه یا طبقه است که با استفاده از آن‌ها می‌توان به روش منظم درباره داده‌ها به نتیجه رسید و آن‌ها را به صورتی پیچیده به یکدیگر مرتبط کرد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: شرایط علی،^۴ مقوله اصلی،^۵ شرایط زمینه‌ای،^۶ شرایط واسطه‌ای،^۷ راهبردها^۸ و پیامدها.^۹

کدگذاری باز



نمودار (۱) مدل نظریه داده بنیاد

جامعه آماری این پژوهش کارشناسان و استادان حوزه شفافیت از رشته‌های مختلف علوم اجتماعی بوده و نمونه‌گیری بر اساس نمونه در دسترس و گلوله برفی بوده است. به دلیل بدیع بودن مقوله شفافیت دولت در فضای علمی کشور پژوهشگران و استادان اندکی به نحو جدی و تخصصی به این مقوله پرداخته‌اند و شناخت کارشناسان آشنا به این حوزه و متقاعد کردن آن‌ها به انجام مصاحبه در طول ۳ سال صورت گرفت که این امر با وجود وضعیت کرونایی دشواری کار را دوچندان کرد. با این حال در این پژوهش با ۱۶ نفر از اعضای هیئت علمی و خبرگان حوزه شفافیت با تخصص‌های مختلف مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد که مشخصات آن‌ها به شرح زیر است:

جدول (۱) سیمای مصاحبه‌شوندگان

ردیف	پست سازمانی	مرتبه علمی	جنسیت
۱	عضو هیئت‌علمی	استاد، دانشیار و استادیار	۷ مرد و ۳ زن
۲	پژوهشگر ارشد	دکتری مدیریت علوم سیاسی، اقتصاد و علوم ارتباطات	۴ مرد و ۲ زن

بر اساس جدول شماره یک، ۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان عضو هیئت عملی دانشگاه بوده، ۲ نفر استاد مدعو و ۶ نفر نیز پژوهشگر ارشد مراکز پژوهشی بودند. از این میان ۱۱ نفر مرد و ۵ نفر زن بودند. رشته ۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان مدیریت، ۴ نفر اقتصاد، ۸ نفر علوم سیاسی و ۲ نفر نیز علوم ارتباطات بود. برای نمونه‌گیری از دو راهبرد استفاده شد؛ ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱، آن دسته از متخصصان که بنا به شناخت و قضاوت محقق و همچنین جستجوی اینترنتی در سایت‌های علمی مرتبط، دارای مطالعات و آثار مرتبط در زمینه شفافیت بودند، برای مصاحبه نیمه ساختاریافته انتخاب شدند. سپس بر مبنای روش نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ از هر یک از افراد مصاحبه‌شونده خواسته شد متخصصان دیگری را که در این زمینه می‌توانند مورد مصاحبه پژوهشگر قرار گیرند، معرفی کنند. تعداد نمونه بر اساس اصل اشباع^۳ در حجم نمونه در نظر گرفته شد. طبق این اصل، زمانی که محقق به این نتیجه برسد که انجام مصاحبه‌های بیشتر، اطلاعات بیشتری در اختیار وی قرار نداده و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، گردآوری اطلاعات را متوقف می‌سازد. نظرات افراد مصاحبه‌شونده از مصاحبه دوازدهم به بعد به اشباع رسید و فرایند مصاحبه با نفر شانزدهم پایان یافت. سؤال‌های مصاحبه با توجه به هدف پژوهش در قالب پرسشنامه طراحی شد، اما حین مصاحبه، سؤال‌های دیگری نیز برای باز شدن ابعاد موضوع، طرح شد.

۳-۱- اعتبارسنجی پژوهش

معیار ارزیابی در نظریه داده‌بنیاد، شاخص قابلیت اعتماد یا تأیید توسط افراد مورد مطالعه است. برای رسیدن به شاخص قابلیت اعتماد یافته‌ها در این پژوهش از دو روش متعارف بهره گرفته شد. اول (کنترل و اعتبار یابی از سوی اعضا. در این روش، از مشارکت‌کنندگان

خواسته شد گزارش نهایی پژوهش، فرایند تحلیل و مقوله‌های به‌دست‌آمده را بازبینی و نظر خود را در خصوص آن اعلام کنند. دوم) استفاده از روش ممیزی: در این خصوص چند متخصص در موضوع نظریه داده‌بنیاد، بر مراحل سه‌گانه کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقوله‌ها نظارت داشتند. علاوه بر این دو روش به‌طور هم‌زمان، برای محاسبه پایایی کدهای استخراجی، از یکی از استادان مدیریت آموزشی آشنا به کدگذاری درخواست شد تا به‌عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش مشارکت کند. در ادامه محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد ۱۶۳ کدباز را هم‌زمان کدگذاری کردند که از این تعداد، در ۱۵۰ کد توافق وجود داشت که بیانگر پایایی مناسب بود.

۴- مبانی نظری دولت شفاف

گرچه نظریه‌پردازی‌های شفافیت در فلسفه و تاریخ جدید نیست، اما از دهه ۱۹۹۰ بود که پژوهش‌هایی درباره شفافیت در حوزه‌های مطالعات بازرگانی، مدیریت و حکمرانی انجام گرفت (Hood, 2006). بررسی گوگل بوکز ان-گرام و یوور (Google Book's Ngram Viewer) نشان می‌دهد، تعداد دفعات انتشار مطلب در مورد شفافیت در سال ۲۰۰۸ در مقایسه با ۱۹۹۰ دو برابر شد. مطالعات در این حوزه از چند زاویه قابل بررسی است؛ جریان اصلی عمدتاً بر اشتراک اطلاعات متمرکز است و شفافیت را به‌مثابه فراوانی افشای اطلاعات اندازه‌گیری می‌کند و نتیجه می‌گیرد که شفافیت به افشای کامل اطلاعات مربوطه در موقع نیاز اشاره دارد. چنین تحقیقاتی شفافیت را معادل افشای اطلاعات دقیق ذکر می‌کند. در چنین دیدگاه‌هایی، شفافیت جریانی از اطلاعات در دسترس افراد خارج از شرکت تعریف می‌شود و ممکن است محدودیت‌های فنی و اداری در ارتباط با آن وجود داشته باشد. ارتباط، به‌موقع بودن، قابل درک بودن و قابلیت اطمینان از شاخصه‌های شفافیت است. شفافیت برای جوامع دموکراتیک یک شرایط ایده‌آل تلقی می‌شود، یعنی شهروندان قادر به مشاهده و دسترسی تمام اطلاعات مربوط به امور عمومی هستند. برخی تحقیقات هم بر نتایج پروژه‌های شفافیت متمرکز است. بر این اساس، دستیابی به شفافیت به‌عنوان توسعه اصول و روش‌های صحیح برای از بین بردن «پنهان‌کاری» درک می‌شود و بر اساس آن افرادی که تحت نظر هستند، تمایل دارند رفتار بهتری داشته باشند. علاوه بر کارآیی، دیگر نتیجه شفافیت، اعتماد است؛

استراتژی‌های شفاف‌سازی تلاشی است برای ایجاد اعتماد به نهادهای دولتی (Albu & Fly-verbom, 2016: 5-9).

«پنهان‌کاری» وضعیتی است که حکام و کارگزاران حکومتی معتقدند مردم نباید در جریان چندوچون امور قرار گیرند، مگر در حدی که صلاح دانسته شود. در چنین فرهنگی شفافیت، نقطه مقابل امنیت تلقی می‌شود. پنهان‌کاری به دلیل محروم کردن مردم از آگاهی‌های لازم درباره امور کشور، آثار نامطلوب به جای می‌گذارد؛ از جمله مشارکت و نظارت مردم را تضعیف و منتفی می‌کند، به پیدایش انواع فساد در بخش‌های عمومی و خصوصی منجر می‌شود، موجب نقض حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و کتمان این نقض‌ها می‌شود، پاسخگویی معنادار کارگزاران حکومت را به امری غیر لازم بدل می‌کند و ناکارآمدی‌ها به دنبال دارد و در مجموع، با به هدر رفتن سرمایه‌ها و منابع، مانع توسعه کشور می‌شود (جنیدی، ۱۳۹۶).

دسترسی به اطلاعات به‌عنوان حق شهروندان و به نیابت از آنان، حق رسانه‌ها تلقی می‌شود، نه به‌عنوان لطف دولت؛ زیرا مردم برای انجام فعالیت‌های دولت مالیات می‌پردازند و محق هستند بدانند با پول آن‌ها چه کارهایی انجام می‌شود. اگرچه اغلب، به وجود آوردن امکانات دسترسی به این اطلاعات اتلاف سرمایه‌های عمومی تلقی و از آن انتقاد می‌شود، واقعیت این است که این امر کمک به کارآیی دولت، نمایان ساختن حیف‌ومیل‌ها، جلوگیری از فساد و پی بردن به اشتباهات سیاسی پیش از وخیم‌تر شدن اوضاع، است. (بیتهام و بویل، ۱۳۹۳: ۸۴).

شفافیت، به‌عنوان نشانه سنتی «دولت باز» به این معنی که مردم باید به اطلاعات دولتی دسترسی داشته باشند و از روند رسیدگی به حکومت مطلع شوند، به حساب می‌آید. اصطلاح دولت باز، پس از جنگ جهانی دوم در ایالات متحده به کار گرفته شد. والاس پارکس که در کمیته فرعی اطلاعات کنگره ایالات متحده فعالیت می‌کرد، سال ۱۹۵۷ در مقاله «اصل دولت باز: اعمال حق دانستن بر اساس قانون اساسی»، این اصطلاح را معرفی کرد. پس از تصویب قانون آزادی اطلاعات (FOIA) در سال ۱۹۶۶، دادگاه‌های فدرال از این اصطلاح به‌عنوان مترادف شفافیت استفاده کردند (Yu & Robinson, 2012). ریشه مباحث دولت باز را می‌توان به زمان عصر روشنگری اروپا، زمانی که فیلسوفان در مورد ساخت مناسب جامعه دموکراتیک نوپای آن زمان بحث می‌کردند، دانست. این مفهوم به‌طور فزاینده‌ای با مفهوم اصلاحات

دموکراتیک در ارتباط است. (Aray, 2015) به‌عنوان مثال، یکی از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، دسترسی عمومی به اطلاعات به‌عنوان ملاکی برای اطمینان از مؤسسات پاسخگو و فراگیر است (Doss, 2020).

دولت شفاف را می‌توان نسل جدیدی از دولت‌های مدرن دانست که علاوه بر مؤلفه‌های دولت اخیر، مؤلفه‌های دیگری مانند آزادی اطلاعات، شفافیت مالی و پاسخ‌گویی را داراست (ولدبیگی، مجیدی و ازغندی، ۱۳۹۹). حکمرانی شفاف برای دولت‌ها مهم است، زیرا فساد اداری را که به تخصیص نادرست منابع منجر می‌شود و سیاست‌های عمومی را مخدوش می‌کند، کاهش می‌دهد. کنترل فساد فقط در صورتی ممکن است که دولت، شهروندان و بخش خصوصی برای تضمین شفافیت باهم همکاری کنند. بدین ترتیب از منظر دموکراسی یا از نظر کارایی اقتصادی موضوع شفافیت پراهمیت و دکترین حاکمیتی است که بر اساس آن شهروندان حق دسترسی به اسناد و مدارک و اقدامات دولت را دارند تا امکان نظارت مؤثر مردم بر دولت فراهم شود (Lathrop & Ruma, 2010).

برای دولت شفاف چهار جنبه را می‌توان در نظر گرفت: اول، ارائه اطلاعات واقعی در مورد سیاست‌ها از سوی خود دولت است. این اطلاعات شامل دلایل اتخاذ سیاست‌ها، نتایج عملی آن‌ها، هزینه آن‌ها، ضوابط حاکم بر اجرای آن‌ها و اطلاعاتی از این دست می‌باشد. دوم، دسترسی افراد و مطبوعات به اسناد دولتی است. این دسترسی می‌تواند به شکل مستقیم یا از طریق نمایندگان مجلس صورت پذیرد و شامل دسترسی افراد به پرونده‌های شخصی نیز هست. سوم، علنی بودن جلسات مجلس و کمیسیون‌های مختلف و مؤسساتی که از بودجه دولتی استفاده می‌کنند. جنبه چهارم دولت شفاف، عبارت است از مشورت نظام‌مند دولت در مورد تدوین و تنظیم خط‌مشی‌های گوناگون و انتشار اطلاعات و توصیه‌های دریافتی از صاحب‌نظران (بیتهام و بویل، ۱۳۹۳: ۸۶). آنوسکا بویجز نیز شش چهره تصمیم‌گیری کارآمد، تقویت دموکراسی، مشارکت عمومی، آزادی اطلاعات، قانون‌گرایی و پاسخ‌گویی را برای دولت شفاف در نظر می‌گیرد (ولدبیگی، مجیدی و ازغندی، ۱۳۹۹). در مجموع، شفافیت به تحقق حقوق فردی کمک می‌کند، زیرا افراد را قادر می‌سازد آزادانه به اطلاعات موردنیاز برای انتخاب مطلوب دست یابند. این فراگرد به آن‌ها اجازه می‌دهد از حقوق خود در مقابل مقامات دولتی دفاع کنند. (Buijze, 2013)

جدول شماره (۲) کدهای شفافیت مستخرج از ادبیات نظری

ردیف	کد	نظریه پرداز
۱	تقویت دموکراسی، مشارکت عمومی، قانون‌گرایی، آزادی اطلاعات، بهبود کیفیت تصمیمات و رویه‌ها، پاسخ‌گویی	Anoeska Buijze (2013).
۲	دولت باز	Daniel Araya (2015).
۳	نظارت مؤثر	Daniel Lathrop & Laurel Ruma, (2010).
۴	کارآیی، اثربخشی و اعتماد	Oana Albu & Mikkel Flyverbom, (2016).
۵	کنترل فساد، حق دسترسی شهروندان به اسناد، مدارک و اقدامات دولت	بیتهام و بویل، مترجم: شهرام نقش تبریزی (۱۳۹۳)
۶	پنهان‌کاری مانع مشارکت و نظارت مردم	لعیا جنیدی (۱۳۹۶)
۷	شفافیت مالی	ولدبیگی، مجیدی و ازغندی (۱۳۹۹)

۵- یافته‌های پژوهش

در نظریه داده‌بنیاد (مدل استراوس و کوربین) برای تحلیل داده‌ها سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام می‌گیرد.



نمودار (۲) مراحل کدگذاری در نظریه پردازی داده بنیاد

۵-۱- کدگذاری باز: گزاره های مفهومی اولیه

در کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها مطالعه و سپس جمله‌های اصلی آن استخراج و ثبت شد. در مرحله بعد، کدهای باز بر اساس وجوه اشتراک، در یک مقوله قرار گرفتند. در این مرحله مصاحبه‌ها تحلیل و کدگذاری شد. سؤالات مصاحبه استاندارد بوده و شامل هفت سؤال تعریف، ویژگی‌ها و عناصر دولت شفاف، شرایط علی شکل‌گیری دولت شفاف، مؤلفه‌های واسطه‌ای و شرایط زمینه‌ای رسیدن به دولت شفاف و درنهایت راهبردهایی که مسیر رسیدن دولت به شفافیت را هموار می‌سازد، بود. از تعداد ۱۶۳ کدباز دریافت شده، با توجه به اشتراک‌ها و شباهت‌های معنایی و مفهومی در مرحله دوم کدگذاری (محوری) در یک گروه طبقه‌بندی شدند.

۵-۲- کدگذاری محوری: استخراج مقوله‌ها

در کدگذاری محوری، کدها و مقوله‌های اولیه که در کدگذاری باز استخراج شده بود، باهم مقایسه شد؛ موارد مشابه ادغام و مقوله‌های مربوط به هم حول محور مشترکی قرار گرفتند. پس از این مرحله برای کدهای مشابه که در یک طبقه قرار گرفته بودند، عناوین مناسب انتخاب شد. با انجام این فرایند، تعداد ۱۲ کد محوری یا گزاره مقوله‌ای به دست آمد. برخی از این مقوله‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های شکل‌دهنده دولت شفاف (حکمرانی خوب، مشارکت کیفی بالا، چابکی دولت و گردش آزاد اطلاعات) و برخی نیز در نقش عوامل تأثیرگذار بر دولت شفاف (اراده و انگیزه دولت برای شفافیت، زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی، مرحله‌ای بودن اجرای شفافیت، نهادسازی، تقویت فرهنگ عمومی، مدیریت شفاف، مدیریت و مهار فساد، توانمندسازی سمن‌ها) ارائه شد.

براین اساس الگوی مبتنی بر دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در مرحله کدگذاری محوری به شکل زیر است:



نمودار شماره (۳) کدگذاری انتخابی: مؤلفه‌های نظریه (الگوی پارادایمی)

۳-۵- کدگذاری انتخابی: در مرحله سوم یعنی کدگذاری انتخابی، به منظور طراحی الگوی پارادایمی، انگیزه و خواست دولت به عنوان مقوله اصلی انتخاب و سایر مقوله‌ها در قالب پنج مؤلفه دیگر الگوی پارادایمی نظریه داده بنیاد به آن مرتبط شد. بدین ترتیب یک مقوله به عنوان شرایط علی، یک مقوله به عنوان شرایط زمینه‌ای، دو مقوله واسطه‌ای، سه راهبرد و پنج پیامد مورد توجه قرار گرفت.

مقوله اصلی: انگیزه و خواست دولت	
شرایط علی: مرحله‌ای بودن اجرای شفافیت	
شرایط زمینه‌ای: شرایط اجتماعی، فرهنگی	شش مؤلفه نظریه (الگوی پارادایمی)
شرایط واسطه‌ای: نهادسازی و تقویت فرهنگ عمومی	
راهبردها: مدیریت شفاف، مدیریت و مهار فساد، توانمندسازی نهادهای مدنی	
پیامدها: شفافیت دولت، حکمرانی خوب، مشارکت اجتماعی کیفی، گردش آزاد اطلاعات و چابکی دولت	

شکل شماره (۱) کدگذاری و تقلیل داده‌ها بر اساس نظریه داده بنیاد

شکل شماره (۱) کدگذاری و تقلیل داده‌ها بر اساس نظریه داده بنیاد

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد در الگوی پارادایمی که استراوس و کوربین ارائه کرده‌اند، برای تبیین نظریه نهایی، عناصر شش‌گانه شرایط علی، مقوله اصلی، زمینه تأثیرگذار، عوامل واسطه‌ای، راهبردها و پیامدها مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بنابراین بحث و نتیجه‌گیری این مقاله به تشریح الگوی پیشنهادی بر اساس عناصر مذکور اختصاص دارد.

شرایط علی: شامل شرایطی می‌شود که عامل اصلی شکل‌گیری دولت شفاف است. نظر مشارکت‌کنندگان این بود که مؤثرترین عامل در شکل‌گیری دولت شفاف مرحله‌ای بودن اجرای شفافیت است؛ یعنی برای شکل‌دهی به رویه‌های شفاف در حوزه حکمرانی نمی‌توان رویکردی رادیکال گونه و یک‌باره در پیش گرفت؛ زیرا رویه ناگهانی موانعی ایجاد می‌کند که اجرای شفافیت را به تأخیر می‌اندازد یا حتی متوقف می‌کند؛ به همین دلیل باید رویکردی آرام، تدریجی و پیوسته اتخاذ کرد. دومین مؤلفه مؤثر بر شفافیت دولت، تکثر نهادهای نظارت عمومی است؛ یعنی علاوه بر نهادهای نظارتی رسمی باید فضایی برای نظارت‌های مردمی به خصوص فعالیت سوت‌زنان و افشاکنندگان ایجاد کرد تا فعال شدن هم‌زمان دو اهرم نظارت رسمی و غیررسمی به الگوی دولت شفاف نزدیک شود. در این خصوص مشارکت‌کنندگان بر اصل حمایت حقوقی و مالی از سوت‌زنان فساد تأکید داشتند.

مقوله اصلی/پدیده: مقوله اصلی، صورت ذهنی از پدیده است که اساس فرایند به

شمار می‌آید. بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان متغیرهای انگیزه و اراده دولت و همچنین توانمندسازی شهروندان برای ایجاد شفافیت دو مقوله اصلی است که در ایجاد دولت شفاف نقش دارند. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بر اراده دولت برای ایجاد شفافیت تأکید داشتند و معتقد بودند مادامی که انگیزه و اراده‌ای در دولت برای حرکت به سمت شفافیت نباشد، حتی اگر همه متغیرهای دیگر فراهم شود شکل‌گیری دولت شفاف بعید است. مطابق نظر مشارکت‌کنندگان این نگرش به دلیل وجود دولت فراگیر و عمق نفوذ آن در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. آن‌ها معتقدند در ایران مکتوم ماندن رویه‌ها و سیاست‌ها در بعد فردی و حکومتی ریشه تاریخی دارد؛ بنابراین اراده دولت برای ایجاد بسترهای شفاف و حرکت به سمت اتاق‌های شیشه‌ای مدیران نقش مهمی در شکل‌گیری دولت شفاف در ایران دارد.

شرایط زمینه‌ای: این شرایط به‌طور خاص بر راهبردها تأثیرگذار است. بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان، ایجاد زیرساخت‌های دولت الکترونیک و شهر هوشمند، آزادی عمل رسانه‌های جمعی و تعهدپذیری حاکمان در خصوص شفافیت از اجزای تشکیل‌دهنده این مقوله است. مجموع این مؤلفه‌ها که در طبقه عوامل زمینه‌ای قرار دارند، در شکل‌گیری دولت شفاف مهم‌اند. این عوامل هر یک به سهم خود به‌عنوان زمینه‌ای برای ایجاد شفافیت در ارکان سیاست و قدرت مؤثرند. مطابق نظر مشارکت‌کنندگان مطالبه شفافیت به‌عنوان یک حق عمومی و ایجاد اقتصاد مبارزه با فساد (پاداش به سوت‌زنان) می‌تواند سهم مهمی در تحقق شفافیت دولت داشته باشد. این یافته از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، با دیدگاه‌های بیت‌ها و بویل تطابق دارد. به‌طوری‌که این دو نیز در کتاب «دموکراسی چیست» بر ضرورت کنترل فساد و حق دسترسی شهروندان به داده‌ها و حمایت از سوت‌زنان فساد تأکید دارند. واقعیت این است که شرایط زمینه‌ای برای تحقق شفافیت در ایران مناسب نیست و هنوز بسترهای تکنیکی، حقوقی و فرهنگی برای شکل‌گیری عناصری مانند شهر هوشمند و ایجاد اقتصاد مبارزه با فساد فراهم نشده است و در این خصوص سه قوه می‌توانند موانع موجود را از حیث قانون‌گذاری، نظارت و اجرا مرتفع سازند.

شرایط واسطه‌ای: شرایط عمومی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردها اثر می‌گذارد. مطابق و کدگذاری‌های مستخرج از اظهارات مصاحبه‌شوندگان، یکی از شرایط

واسطه‌های نهادسازی است که شامل تقویت تحزب، سازوکار انتخابات سالم و آزاد، وجود رسانه‌های غیردولتی و نهادهای جامعه مدنی است. نهادهای جامعه مدنی، احزاب سیاسی و تشکل‌های صنفی و جنبش‌های اجتماعی همچون کارگری، دانشجویی و زنان به‌عنوان حلقه‌های واسط مردم و دولت عوامل تسهیل‌کننده و مداخله‌گر تحقق دولت شفاف هستند. از نظر مشارکت‌کنندگان، فلسفه وجودی جامعه مدنی و نهادهای آن که تجلی‌بخش اراده عمومی بوده، کنترل دولت و مراقبت از رفتار آن که شفافیت دولت از این مسیر بهتر محقق می‌شود. کارکرد عمده جامعه مدنی علاوه بر تعیین سرنوشت و تأمین آزادی‌ها و حقوق شهروندان، نظارت، شفاف‌سازی عملکرد دولت و به‌تبع آن کارآمد کردن آن است. دومین مؤلفه واسطه‌ای، تقویت فرهنگ عمومی است. تقویت نهادهای تخصصی غیررسمی مبارزه با فساد، نقش مؤثری در ایجاد شفافیت سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان دارد. آزادی عمل این نهادها راه را برای پایین آمدن درجه فساد فراهم می‌کند. به اعتقاد مشارکت‌کنندگان نهادهای مبارزه با فساد در ایران عموماً دولتی بوده و در مرحله پیشگیرانه و سیاست‌گذارانه باقی‌مانده‌اند و مبارزه با فساد کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ درحالی‌که مطابق تجربه جهانی، نهادهای مردم‌نهاد در کنار نهادهای دولتی، سهم مهمی در مبارزه با فساد و افزایش شفافیت دارند. لذا در این میان فرهنگ‌سازی در خصوص ضرورت شفافیت و تشویق مردم به خصوص افشاکنندگان فساد باهدف فساد ستیزی امری لازم است. پژوهش لاسروپ و روما که در ادبیات نظری این مقاله به آن اشاره شد مؤید این نظر است که نظارت مؤثر مردم و نهادهای مدنی در تقویت دولت شفاف اثر مستقیمی دارد.

راهبردها: راهبردهای مدنظر در نظریه داده‌بنیاد به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد. در این پژوهش سه راهبرد مهم استخراج شد که عبارت‌اند از: مدیریت شفاف، مدیریت و مهار فساد و توانمندسازی نهادهای جامعه مدنی؛ بنابراین برای تحقق آن می‌بایست ترکیبی از مدیریت هوشمند و توانمندسازی نهادهای مدنی مدنظر باشد که مطابق آن راهبردهای زیر ارائه می‌شود:

راهبرد اول آنکه در انتخاب مدیران می‌بایست شایسته‌گزینی اتخاذ شود. مطابق نظر مشارکت‌کنندگان یکی از راه‌های شایسته‌گزینی، فراخوان برای انتخاب مدیران توانمند، پاک دست و پاسخ‌گوست که بر اساس فراخوان واجدان شرایط مطابق با سوابق، رزومه مدیریتی

و پژوهشی در یک رقابت سالم و سطح سنجی عادلانه انتخاب شوند. راهبرد دوم مدیریت و مهار فساد است که می‌بایست از رویه‌های شفاف ساز در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی بهره گرفت. تدوین و اجرای دقیق قوانین بالادستی و همچنین مبارزه با رانت و تعارض منافع، اتصال سامانه‌های الکترونیکی، ایجاد زیرساخت‌های فنی و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین در پایش و نظارت دقیق امور از متغیرهایی است که در مهار فساد مؤثر است. راهبرد سوم به توانمندسازی نهادهای مدنی معطوف است که می‌تواند بر شکل‌گیری دولت شفاف مؤثر باشد. بر اساس مطالعات بیشترین مشکلات و مسائل برون‌سازمانی جامعه مدنی در ارتباط با دولت رخ می‌دهد. برخی از ابعاد این مسائل که آسیب‌های زیادی را در بر گرفته است عبارت‌اند از: چند تولی‌گری دولتی سمن‌ها، رویکرد سیاسی و امنیتی حاکمیت، حکمرانی گفتمان دولتی، نگرش نامناسب دولت به نهادهای مدنی، فقدان جایگاه آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها، مسائل اقتصادی، قانونی، ساختاری و مسائل نظارتی دولت. نهادهای مدنی و دولت می‌بایست توأمان در رفتارها و رویه‌های خود بازنگری کنند؛ به‌طوری‌که نهادهای مدنی به آسیب‌شناسی، بازسازی درون‌سازمانی، مهندسی مجدد ساختاری و عملکردی و توانمندسازی خود پردازند تا بتوانند به‌درستی در مسیر ایجاد دولت شفاف نقش‌آفرینی کنند؛ دولت نیز این نهادها را به‌عنوان بخشی از کنشگران مؤثر اجتماعی به رسمیت بشناسد تا جایگاه خود را در جامعه به دست آورند. این نیازمند آن است که ابتدا نگرش دولت به سازمان‌های مردم‌نهاد تغییر کند و آن‌ها را به‌عنوان نهادهای اجتماعی واسطه بین مردم و دولت و نهادهای مکمل و همکار دولت برای تحقق شفافیت به رسمیت بشناسد (احمدی گیوی و یوسف پور؛ ۱۳۹۸). بر این اساس راهبردهای سه‌گانه فوق هر یک به سهم خود تأثیرات مکملی بر شفافیت دولت خواهد داشت.

پیامدها: این مهم به خروجی حاصل از اجرای راهبردها معطوف است. در شرایطی که اراده دولت برمدار تحقق شفافیت قرار گیرد، پیامد محتوم آن شکل‌گیری دولت شفاف خواهد بود. بدین معنی که دولت با استفاده از ظرفیت‌های خود در مسیر شفافیت از یک‌سو عملکرد بهینه‌ای بروز خواهد داد و از سوی دیگر رضایت شهروندان را که متضمن مردم‌سالاری نظام سیاسی است، برآورده خواهد ساخت. بر این اساس اولین مؤلفه دولت شفاف، حکمرانی خوب خواهد بود. بانک جهانی برای اولین بار حکمرانی خوب را به‌عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی و اداری قابل اعتماد و پاسخگو تعریف کرده است (Stowe, ۱۹۹۲):

۳۹۱). همچنین نظریه حکمرانی خوب که با ویژگی‌هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی و حاکمیت قانون تعریف می‌شود، الگویی برای توسعه پایدار انسانی با تعامل عملی سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است. این الگو به دنبال نقش حداقلی دولت و توانمندسازی نهادهای مدنی و بخش خصوصی و تعامل این سه بخش است. دولت نیز باید نقش هماهنگ‌کننده و تنظیم‌گری خود را تقویت کند و به‌جای تصدی‌گری به تنظیم و تسهیل روابط پردازد (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲) یافته‌های این بخش از مقاله با دیدگاه‌های آنوسکا بویجز که بهبود کیفیت تصمیمات دولتی را یکی از وجوه دولت شفاف می‌داند، همخوانی دارد.

دومین مؤلفه اصلی شفافیت دولت، آزادی و حق دسترسی به اطلاعات است. منظور از حق دسترسی به اطلاعات آن است که هر یک از اعضای جامعه هرزمانی بتوانند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشند که در یکی از مؤسسات عمومی و گاه خصوصی نگهداری می‌شود و آن موسسه تنها بر مبنای دلایل احصا و مشخص شده به درخواست وی ترتیب اثر دهد یعنی آن را رد کند یا بپذیرد (Dyrberg, 1999) این مؤلفه با یافته‌های آنوسکا بویجز که در مبانی نظری این مقاله نظرات او در خصوص ضرورت آزادی اطلاعات ارائه شد، تطبیق دارد.

سومین مؤلفه اصلی دولت شفاف، چابکی دولت است. برخی محققان، چابکی را به توانایی سازمان‌ها در جهت واکنش سریع به تحولات می‌دانند (Brown & Bessant, ۲۰۰۳)؛ گروهی هم چابکی را نشان‌دهنده شایستگی‌هایی که به دولت‌ها و سازمان‌ها اجازه می‌دهد با احتمالات ناشی از محیط، سازگار شوند (Roberts & Grover, 2012) عنوان می‌کنند. برخی نیز چابکی را استفاده از دانش کسب‌وکار و ساختارهای منعطف به‌منظور استفاده حداکثری از فرصت‌های سودآور در محیط تعریف کرده‌اند (Kettunen, 2009). افزایش رضایت شهروندان، پاسخ‌گویی سریع‌تر، خدمات‌رسانی بهتر، ثبات و کارایی دولت و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی به دلیل کنترل و کاهش هزینه‌های جاری از مزایای چابکی دولت است (Kearh-ly, 2002). مهم‌ترین عنصر در چابکی دولت بهره‌گیری از دولت الکترونیک است که به معنای درجه کمال دستگاه اطلاعاتی، شبکه ارتباطی و استفاده کارکنان از سیستم‌ها و شبکه‌های اطلاعات است. امروزه دولت‌ها برای ارتقای فناوری اطلاعات سرمایه‌گذاری کلانی می‌کنند تا سطح زندگی مردم را بهبود بخشند، هدف آن‌ها این است که فناوری‌های اطلاعات را برای نزدیک‌تر کردن دولت به مردم، بهبود بخشیدن کیفیت روابط دولت با کشورهای همسایه،

ارتقای پایه‌های اقتصاد جامعه و ایجاد هماهنگی و یکپارچگی میان بخش‌های مختلف دولتی به‌کارگیرند (Grauer, 2002). چهارمین مؤلفه نیز مشارکت کیفی اجتماعی است. با عینیت یافتن عنصر مشارکت در قالب شوراها، احزاب، مطبوعات و اصناف، فضای فکری جامعه و عملکرد دولت، شفاف خواهد شد. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان یکی از مکانیسم‌های مشارکت سیاسی، اصل امر به معروف و نهی از منکر است که ناظر بر رابطه مردم با یکدیگر و با دولت است. هرچند یک‌لایه این اصل، انتقادی است، اما آثار سازنده‌ای دارد که مهم‌ترین آن شفاف شدن امور سیاسی و اقتصادی است. این مؤلفه مؤید دیدگاه‌های آلبو و فلیوربوم است که بر اثربخشی سازمانی به‌عنوان یکی از آثار چابکی دولت تأکید دارند.



نمودار شماره (۴) الگوی پارادایمی شفافیت دولت در بافت فرهنگی- اجتماعی ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد

درمجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دولت شفاف عبارت‌اند از: حکمرانی خوب، مشارکت کیفی اجتماعی، چابکی دولت و گردش آزاد اطلاعات. همچنین عوامل مؤثر بر شفافیت دولت عبارت‌اند از: اراده و انگیزه دولت برای

شفافیت، زمینه‌ها و شرایط اجتماعی، فرهنگی محیطی، مرحله‌ای بودن اجرای شفافیت، نهادسازی، تقویت فرهنگ عمومی، مدیریت شفاف، مدیریت و مهار فساد و توانمندسازی سمن‌ها. بدین ترتیب در شرایط فرهنگی، سیاسی، محیطی جامعه ایران، چنانچه این عوامل در کنار یکدیگر قرار گیرند، شکل‌گیری دولت شفاف با مختصات که در این پژوهش ذکر آن‌ها گذشت، میسر می‌شود؛ البته این در شرایطی رخ خواهد داد که در کنار دولت، فرهنگ عمومی را نیز برای تحقق دولت شفاف تقویت کرد. بدین ترتیب عزم جدی دولت و مردم از یک سو و استفاده از تجربیات کشورهای پیشرو در عرصه شفافیت و بومی‌سازی این تجربیات می‌تواند فضا را برای تشکیل اتاق‌های شیشه‌ای که در آن همه تصمیمات و سیاست‌های مسئولان نظارت‌پذیر و قابل دسترس باشد؛ مهیا کند. بدون تردید شکل‌گیری این فرایند به دولت شفاف منجر خواهد شد و میزان فساد اقتصادی و سیاسی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. تحقق دولت شفاف هم برای تقویت نظام سیاسی در عرصه بین الملل و هم در بعد اجتماعی و فردی و برای شهروندان مطلوب و رضایت‌بخش خواهد بود.

یادداشت

1. Transparent government
2. Semi structure interview

۳. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ۱۳۸۸/۱۱/۴-قانون برنامه‌های پنجساله سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه - قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، ۱۳۹۵/۱۱/۱۰- قانون نحوه پیگیری تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۴/۳/۵- قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، ۱۳۹۳/۷/۸- قانون اصلاح قانون نظام صنفی کشور، ۱۳۹۲/۶/۱۲- قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، ۱۳۹۰/۱۱/۱۶-قانون امورگمرکی با اصلاحات و الحاقات بعدی، ۱۳۹۰/۸/۲۲-قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ۱۳۹۰/۸/۷- قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات و الحاقات بعدی، ۱۳۶۶/۱۲/۳ و...
 ۴. شرایطی که به وجود آورنده مقوله اصلی است.
 ۵. حادثه اتفاقی که سلسله کنش متقابل که به کنترل و اداره کردن آن معطوف می‌شود..
 ۶. شرایط بسترساز خاص مؤثر بر راهبردها
 ۷. شرایط بسترساز عام مؤثر بر راهبردها
 ۸. کنش‌ها یا کنش‌های متقابلی که برای کنترل، اداره، برخورد و پاسخ به مقوله اصلی انجام می‌شوند..
 ۹. ره‌آورد به کار بستن راهبردها.

10. Purposive Sampling
11. Snowball Sampling
12. saturation

کتاب‌نامه

۱. احمدی گیوی، مریم؛ یوسف‌پور، گیتا (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی سمن‌ها در ایران»، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
 ۲. استراوس، آنسلم؛ کورین، جولیت (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای؛ ترجمه: ابراهیم افشار، چاپ پنجم، تهران: نشر نی
 ۳. بیتهم، دیوید؛ بویل، کوین (۱۳۹۳). *دموکراسی چیست (آشنایی با دموکراسی)*، مترجم: شهرام نقش تبریزی، تهران: ققنوس.
 ۴. جنیدی، لعلیا (۱۳۹۶). «پیشگیری از فساد با لایحه شفافیت اقتصادی»، روزنامه ایران، شماره ۶۷۲۶، ششم اسفند.
 ۵. دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال اول، پاییز و زمستان، شماره ۲.
 ۶. رهنورد، فرج‌الله و همکاران (۱۳۹۹) «مدل سنجش میزان تمایل خط‌مشی گذاران به دولت باز در ایران»، *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی*، دانشگاه شهید بهشتی.
 ۷. شریف‌زاده، فتاح؛ رحمت‌اله، قلی‌پور (۱۳۸۲)، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، *دو فصلنامه فرهنگ مدیریت*، پاییز و زمستان، شماره ۴.
 ۸. مصاحبه عمیق نگارندگان با ۱۶ نفر از استادان دانشگاه و متخصصان حوزه شفافیت (۱۳۹۹)
 ۹. ولد بیگی، عبدالشریف؛ مجیدی، حسن؛ ازغندی، علیرضا، «مؤلفه‌های دولت شفاف از منظر امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، پاییز ۱۳۹۹، شماره ۳۴.
- Albu, Oana & Flyverbom, Mikkel (2016). Organizational Transparency: Conceptualizations, Conditions, and Consequences, *Business & Society*, July, 1-30.
- Araya, Daniel (2015). *Smart Cities as Democratic Ecologies*. Springer. ISBN 9781137377203.
- Brown, S., Bessant, J., (2003) the manufacturing strategy-capabilities links in mass customization and agile manufacturing –an exploratory study. *International Journal of Operations and Production*
- Buijze ,Anoeska (2013). *The Six Faces of Transparency*, Netherlands: Utrecht Law Review
- Creswell, J. W. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Doss, Eric (2020). “Sustainable Development Goal 16”. United Nations and the Rule of Law. Retrieved 2020-09-25.

- Dyrberg, Peter (1999). Current issues in the debate on Public Access to documents European Law Review. Available at: <http://europa. Sim. Ucm>.
- Grauer, M. (2002). Information technology In International encyclopedia of business and management, edited by M. Warner, 2nd Ed, Australia: Thomson Learning. 3014-3024.
- Hood, C. (2006). Transparency in historical perspective. In C. Hood & D. Heald (Eds.), Transparency: The key to better governance? (pp. 3-23). Oxford, UK:Oxford University Press.
- Kearhly, A.T. (2002).How Government can improve public sector performance.LSE public policy Group
- Kettunen, P.(2009). Adopting key lessons from agile manufacturing to agile software product development –Acomprative study. Journal of Technology and enovation. 29 (6-7). 408-422.
- Lathrop, Daniel; Ruma, Laurel (2010). Open Government: Transparency, Collaboration and Participation in Practice. O'Reilly Medi, February. ISBN 978-0-596-80435-0. OL 24435672M.
- Martin, Patricia Y. & Turner, Barry A. (1986). Grounded Theory and Organizational Research, The Journal of Applied Behavioral Science, 22(2).
- Roberts, N.Grover, V. (2012). Leverraging information technology instrucure to facilitate a firms customer agility and competitive activity:an empirical investigation. Journal of Managment and Informstion System.28(4),231-270.
- Stowe, Kenneth (1992). “Good Piano wont play bad, music: Adminisvstive erform and Good Governance”, public Administration. Vol, 70
- Yu, Harlan; Robinson, David G. (2012). “The New Ambiguity of ‘Open Government’”. February 28, UCLA L. Rev. 59. SSRN 2012489.